

حرف درشت

خدا به ما رحم کند



✚ **پوریا عالمی**

● ما سندی را دیدیم که اول فکر کردیم جزء اسناد نازی‌هاست برای اصلاح نسل بشر. بعد که از نزدیک نگاه کردیم دیدیم نه بابا اینها قانون استخدام معلم است. (حالا سؤال این است که مگر معلم‌ها را استخدام می‌کنند؟).

خلاصه توی قانونی که تصویب کردند (من فقط دلم می‌خواهد قیافه همان‌ها را که این قانون را تصویب کرده‌اند از نزدیک ببینم) گفته: «اگر شما موهای زاید در صورت داشته باشی نمی‌توانی معلم بشوی!». سؤال من این است که اگر همین قانونی داریم پس آنها که معلم ما بودند و فقط مردمک چشمشان مو نداشت کی بودند؟ معلم نبودند؟ از فضا آمده بودند؟

بعد توی قانونشان آمده: «داشتن دیابت بی‌مزه، گواتر، سنگ کلیه، پروستات، تغییرات فانکشنال مثانه، جراحی کبد، جراحی کیسه صفرا، مجاری صفراوی، لوژالمعده و...» برای استخدام معلمی ممنوع است. یا درباره استخدام زنان معلم گفته شده: «داشتن اختلالات زنانگی، موهای زاید صورت، سابقه جراحی بیماری‌های رحمی در زنان و...» ممنوع است.

۱۴۰ درصد زنان ما که کار نمی‌کنند، ۱۰۳ درصدشان که می‌خواهند کار کنند، جایی قبول نمی‌کند کار کنند از آن شش درصد باقی‌مانده ۲۰۲ درصد تنها کاری که می‌توانند بکنند و شوهرشان هم گیر خاصی نمی‌دهد، همین شغل معلمی است که خوشبختانه با قانونی که گذشت ۹۹ درصد زنان کلا خانه‌نشین می‌شوند. آفرین.

با توی قانونشان هست معلمان نباید «ناباروری» داشته باشند. چرا؟ چون اینها کاری می‌کنند که معلم زیر بار فشار زندگی بزیاید. بنابراین اگر ناباروری داشته باشد با اهداف کلان منافات دارد.

توی قانونشان باز هم هست که «نداشتن دید کمتر از ۱۰/۱۰ از یک چشم، هر نوع نقص میدان بینایی، تنگی دریچه میترال و انورت، جراحی دریچه‌ای قلب، بلوغ زودرس یا دیررس، بیماری‌های پوستی و...» ممنوع است.

این‌طور که ما متوجه شدیم، اینها امسال می‌خواهند جنینر لوپز و براد پیست را بیاورند معلم کنند، منتها روشن نمی‌شده مستقیم دعوتشان کنند. همچنین گفتند: «داشتن آکنه و جوش» هم ممنوع است! درواقع این اولین‌بار در تاریخ است که اگر کسی جوش بزند حذف فیزیکی می‌شود.

از طرفی توی قانونشان آورده‌اند: «کوتاهی یک پا بیش از ۱۰ سانتی‌متر، انحرافات ستون فقرات مادرزادی یا اکتسابی، هرگونه اعمال جراحی اگر موجب ناتوانی جسمی شده باشد، قطع پا فقدان یکی از اندام‌ها درصورتی‌که مانع اعمال طبیعی شود و...» نیز ممنوع است. ما تا الان می‌گفتیم چرا با معلولان توی کشور طوری برخورد می‌شود که اضافی هستند و توی سیستم آموزش و سیستم رسمی و سیستم زندگی روزمره جامعه نقشی ندارند. امروز متوجه شدیم ما خل بودیم. اینها نه‌تنها نمی‌توانند درس بخوانند یا شغل داشته باشند، بلکه درس هم نمی‌توانند بدهند و باید کلا تعطیل کنند برونند. همچنین «داشتن لهجه غلیظ» برای معلمان ممنوع است که این قانون را برای نزدیکی اقوام و جلوگیری از اختلاف قومی و تحقیر یا مسخره‌کردن هم‌دگر در جامعه گذاشته‌اند لابد! درواقع ما تنها جایی در جهان هستیم که می‌گوییم همه با هم برابریم، ولی هیشکی حق ندارد لهجه‌اش با ما فرق داشته باشد. مدل فکرکردن و لباس پوشیدنش که میچی.

حرف‌درشت

خلاصه ما چیزی که متوجه شدیم واقعا شایسته‌سالاری است. چطور؟! یعنی اینها می‌گویند اگر شما مشکلات بالا را داشته باشی، یعنی زشت و کج‌وکوله باشی مناسب نیست معلم بشوی، بهتر است بیایی جزء مدیران.

پرنده آبی

به ایران رأی دهید

● ایست!- سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد در آستانه برگزاری بیست‌ودومین نشست مجمع عمومی در چین، مسابقه‌ای ویدئویی را راه انداخته تا با رأی مردم، بهترین فیلم انتخاب شود. ایران در این مسابقه با ۶۳ کشور دیگر به رقابت پرداخته است. مهلت رأی‌دادن به این ویدئوها که ۶۴ کشور در آن شرکت دارند، تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۰ شهریورماه) خواهد بود. فیلمی که از ایران به مسابقه گذاشته شده، رقص زندگی (Dance of life) نام دارد که بر عنصر آب تأکید کرده و فرهنگ اقوام کمترشناخته‌شده ایران، از این فرصت برای ترویج ویدئوهایی که از طریق رسانه‌های اجتماعی تبلیغ می‌شوند، استفاده کنند. سازمان جهانی جهانگردی تصمیم‌دارد فیلم برگزیده به انتخاب مردم را در مجمع عمومی سالانه این سازمان در چین اعلام کند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۴ شهریور ۱۳۹۶ ۴ ذیحجه ۱۴۳۸ ۲۶ آگوست ۲۰۱۷ سال چهاردهم • شماره ۲۹۴۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۹ • اذان صبح فردا ۵:۰۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

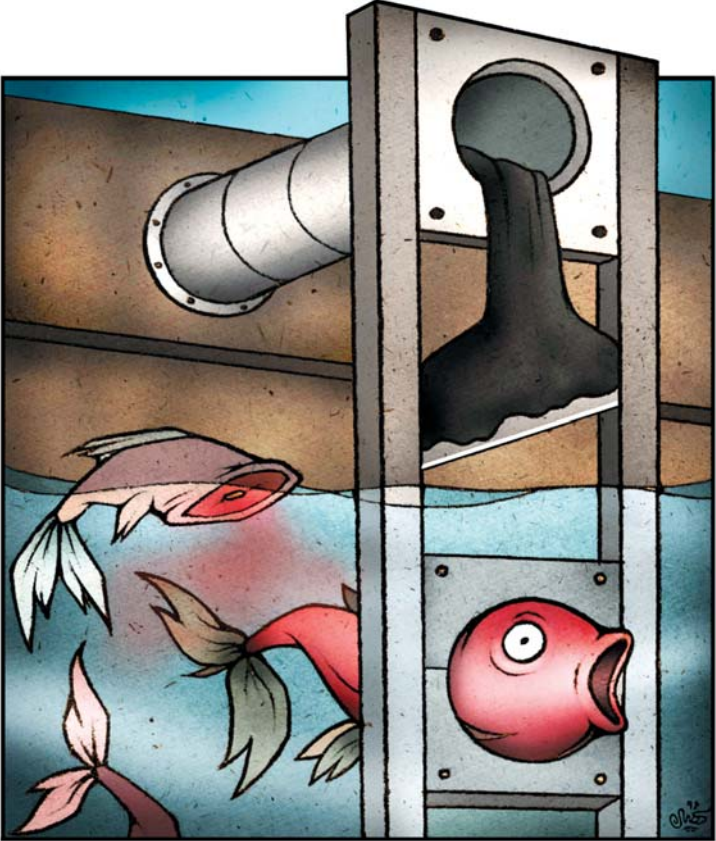
روزنامه‌فرو



✚ **سهیل محمدی**

کارتون خواب

به بهانه مرگ ۹۵۰ ماهی با رهاسازی پساب کشتار گاه مرغ در سفید رود



پشت تاریخ



شجاعت و خطرپذیری هاشمی به همراه توبیخ مسئولان



✚ **سیدابوالحسن مختاباد**

فرماندهی جنگ زبان‌زد همه بود و حضور

فیزیکی‌اش در دل جبهه‌های نبرد، به رزمندگان

روحیه می‌داد، چنان‌که در همین شهر گیلانغرب

بارهاوباره و در زمان جنگ و روزهای آتش و خون

به آنجا رفته بود.

می‌نویسند: «پیشنهاد (آقای کلانتری) را

نپذیرفتم به دلیل اینکه نرفتم ما به آنجا، تفسیری

جز نامنی نخواهد داشت که خیلی مضر است»....

مسئولان به ملاحظات امنیتی ترجیح می‌دادند با

ماشین برویم که نپذیرفتم»... مسئولان سفر به‌خاطر

ملاحظات امنیتی، برنامه سخنرانی نگذاشته بودند؛

توبیخشان کردم» (ص-۵۰۹).

در همین دیدار است که آقای هاشمی از کرد

هم دیدن می‌کند؛ شهری که پیروان اهل حق

در آنجا ساکن هستند. به نوشته هاشمی: «آنها

مدتا اهل حق‌اند. دو درصد شیعه و سه درصد

سنی‌اند. به‌خاطر دلجویی از اهل حق به کرد

رفتم. بعد از انقلاب با آنها بدرفтары شده است و

با توجه به حضورشان در کنار مرز، ناراضی‌تی‌شان

می‌تواند خطرآفرین باشد. من در صحبت کوتاهی

از مواضعشان و صبرشان در جنگ و بازسازی تشکر

کردم و وعده کمک دادم و توصیه به وحدت و

همکاری نمودم» (ص-۵۰۹).

نکته جالب توجه، حضور پرشور مردم در این

دیدار و سایر دیدارها و سفرهای استانی آقای

هاشمی است؛ دیدارهایی که آقای هاشمی بدون

رعایت حتی مسائل امنیتی به میان مردم می‌رفت و

با آنها کپ‌وگفت داشت. این دیدارها نشان می‌داد

که سفرهای استانی هم پیش از هر کسی از سوی

آقای هاشمی شروع شده بود که بعدها گروهی آن

را به نام خود مهر و نشان زدند.

✚ نقل‌قول‌ها از کتاب «صبر و پیروزی»-

روزنوشت‌های سال ۱۳۷۳ اکبر هاشمی‌رفسنجانی،

انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۶.



✚ **کریم ارغنده‌پور**

وضعیت راندگی ما افتضاح است. می‌توان

چشم‌پسته از هوش و استعداد بالای ایرانی تعریف

کرد و به خود بالید، ولی هر غریبه‌ای وارد این

جامعه شود، اولین چیزی که توجهش را به خود

جلب می‌کند وضعیت نامناسب راندگی است.

آن غریبه حق ندارد سؤال کند چرا بخشی از آن

هوش صرف حل این مسئله نشده است؟! علت

ترافیک‌های سنگین در خیابان‌ها و جاده‌های ما

فقط تعداد بیش از ظرفیت خودرو نیست، طراحی

غیراصولی خیابان‌ها هم نیست. بخش مهمی از آن

فرهنگ نامناسب راندگی جمعی ماست، چند روز

پیش مدت زیادی در بزرگراه مدرس پشت هزاران

اتومبیل گیر کرده بودم، درحالی‌که بعدا دریافتم گره

ترافیکی در خروجی همت بود؛ آنها که می‌خواستند

وارد همت شوند، همه خطوط بزرگراه را بسته

بودند! رفتارهای راندگی ما نه‌فقط باعث می‌شود

نکته

افکار عمومی، ناظران سرسخت رفتار مدیران هستند



✚ **آذر منصوری**

در واپسین روزهای هفته گذشته، پنجمین دور

فعالیت شورا‌های شهر و روستا آغاز شد. در بسیاری

از شهرهای کوچک و بزرگ انتخابات هیئت‌رئسه

برگزار شد و خیلی‌ها از جمله در شهر تهران

شهرداران شهرهای خود را نیز انتخاب کردند.

اعضای شورا و شهردار منتخب شهر تهران

پس از شروع به کار، برای تجدید پیمان با بنیان‌گذار

جمهوری اسلامی به بهشت زهرا(س) رفتند، اما

آنچه بیشتر به آن پرداخته شد، انتشار تصویر آنان در

مترو بود. آنها ترجیح دادند برای شروع به کار دست

به یک اقدام نمادین برای کاهش ترافیک و مقابله

با آلودگی هوای شهر تهران بزنند و به‌همین‌دلیل

از این وسیله نقلیه عمومی استفاده کردند، اما

به محض انتشار تصویر نشسته آنان در مترو،

حاشیه‌ها آن‌قدر بالا گرفت که هدف و نیت اصلی

گم شد؛ اینکه آنها از واکن اختصاصی استفاده

کردند، بیشترین واکنش‌ها را به‌همراه داشت؛

مانند بسیاری از حاشیه‌هایی که هنگام برخی

رخدادها به وجود می‌آید و خواسته یا ناخواسته

باعث نادیده‌شدن متن می‌شود. شاید اگر به برخی

ملاحظات توجه می‌شد و به محض انتشار عکس

توضیح بیشتری داده می‌شد، تا این حد این رفتار

نمایندگان در آغازین روز مأموریت خود به حاشیه

نمی‌رفت. پیشنهاد می‌کنم دیگر مسئولان دولتی و

سیاسی شهر تهران نیز نه به صورت نمادین، بلکه

مستمر و برای همراهی با مردم، کاهش ترافیک و

آلودگی ناشی از آن از مترو و وسایل نقلیه عمومی

استفاده کنند.

اما روی دیگر این نوشتار مواجعه افکار عمومی

با منتخیان خود است. بدون تردید مهم‌ترین عامل

عملکرد مطلوب مسئولان و نهادهای انتخابی و

قدرت سیاسی نظارت و پرسشگری مردم است،

گسترش تکنولوژی ارتباطات و به‌خصوص قدرت

شبکه‌های اجتماعی در فضای امروز این نقش

مهم را برعهده دارند. امروز قدرت افکار عمومی

در رسانه‌های حقیقی و مجازی غنیت یافته



و کمتر رخدادی است که از زیر تیغ تیز نظارت و

پرسشگری مردم در امان باشد. آنها هرچند گاه

درگیر حاشیه‌ها می‌شوند، اما قدرت آنها را نباید

زیزدرشت رفتار آنان در مسئولیت و بار آمانتی که

بر دوش آنها گذاشته شده است. رسانه‌ها می‌بینند

و می‌نویسند و منتشر می‌کنند و طبیعی است

که در انتظار پاسخ باشند؛ الزامی از دموکراسی

که درمجموعه مقوم روند دموکراتیزاسیون در

کشور است. هرج‌با این نقشش و مسئولیت از

آنها سلب شده، پیامدی جز فشاردگی سیاسی و

اجتماعی و گسترش فساد و رانت و بی‌اعتمادی به

دنبال نداشته است. شورا‌های دور پنجم شهر تهران

و کلا شهرهای دیگر به‌واسطه همین شبکه‌ها زیر

دره‌بین‌نظارت مردم‌هستند واین نظارت‌علی‌القاعده

در پاسخ‌گویی و عملکرد مطلوب آنان آثار خود را

نشان خواهد داد. هرچند رسانه‌ها نیز برای ایفای

نقش نظارت و پرسشگری بیشتر از حاشیه‌ها باید

به متن بپردازند.

پشت جلد

مسئله همه

و افق امیدوارکننده‌ای را ترسیم نمی‌کنند. یکی از مهم‌ترین نکات این است که مسائل همگانی اصولاً بخشی نیستند؛ مثلاً فقط در توان دولت نیست که مسئله بحران آب را حل کند. سیاست‌گذاری مناسب به همراهی و هماهنگی همه دستگاه‌ها و قوا نیاز دارد که منوط به سیاست‌گذاری‌های کلان است. مثال‌های مسائل همگانی هر چهار سال یک‌بار در انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح می‌شود و چون دربرگیری‌اش بالاست، توجه بیشتری را هم جلب می‌کند، ولی می‌بینیم که راه‌حل‌های انفرادی نامزدها کافی نیست. مسئله ترافیک در شهرهای بزرگ یک مسئله پیچیده شهری است. هم باید به ابعاد صنعتی در ساخت و واردات خودروها توجه کرد، هم به طراحی شهری، هم به حاکمیت قانون، هم به اسقاط خودروهای فرسوده، هم به اولویت حمل‌ونقل عمومی - و در صدر همه مترو- و از همه مهم‌تر به ارتقای فرهنگ راندگی شهروندان. درد این است که روزمره‌شدن یک مسئله، آن را عادی جلوه دهد و از اولویت‌ها خارج کند. این درست نیست و باید تلاش کرد چنین نباشد. امیدوارم حداقل شهردار و شورای شهر جدید با این مسئله اصولی‌تر برخورد کنند.

اتفاق

استنکاف وزارت کار از ثبت

استعفای هیئت‌مدیره انجمن روزنامه‌نگاران تهران

صفی استانی برای طرح و پیگیری مطالبات خود نداشته‌اند؛ «این فرایند زمانی جدی شد که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شش ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶، از تعدادی از پیش‌کسوتان و فعالان مطبوعاتی دعوت کرد برای انجام این مهم پیشگام شوند. وی در جلساتی که با هدف مجاب‌کردن پیش‌کسوتان برای تشکیل انجمن استانی برگزار شد، صراحتاً تأکید کرد که شخضا هماهنگی‌های لازم را با مراجع امنیتی به عمل آورده و موافقت ضمنی آنان را برای تشکیل انجمن صفی روزنامه‌نگاران استان تهران، جلب کرده است». در ادامه این نامه، با اشاره به برگزاری مجمع عمومی مؤسسان این انجمن در دوم دی سال گذشته آمده است: «حاضران پس از تصویب اساسنامه پیشنهادی، در انتخاباتی دموکراتیک و شفاف، با رأی مستقیم و مخفی خود اعضای اصلی و علی‌البدل «هیئت‌مدیره» و «بازرسان» انجمن را برگزیدند تا مأموریت‌های صفی- قانونی محوله را پیگیری کنند. در واقع با برگزاری مجمع عمومی و انجام انتخابات، انجمن صفی شکل «قانونی» به خود گرفت و مقرر شد بقیه مراحل قانونی جهت ثبت انجمن «رسمی»‌شدن آن دنبال شود». بخش دیگری از این نامه به کارشنکی‌های دولتی پس از برگزاری این مجمع عمومی اشاره دارد و در آن به‌صراحت آمده است: «اداره کار خواستار تغییر در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره منتخب مجمع مؤسسن بوده و هست». در این بیانیه اعلام شده است: «حق شکایت از اداره مذکور را برای خود محفوظ می‌دانند، اما به‌دلیل حفظ احترام به رئیس دولت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، فعلاً از طرح شکایت در مراجع قضائی صرف‌نظر می‌کنند».

در بخش پایانی نامه آمده است: «رویکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که به نظر می‌رسد در دوره دولت جدید نیز ادامه یابد، حکایت از آن دارد که این وزارت‌خانه حاضر به ت‌ردادن به راهکارهای قانونی برای برون‌رفت از وضعیت موجود نیست و همچنان بر مواضع غیرشفاف و غیررسمی خود مبنی بر عدم ثبت انجمن (مگر در صورت همکاری!! در روند چپیش اعضای هیئت‌مدیره پس از انتخابات و تغییر صورت جلسه مجمع عمومی) اصرار دارد». در پایان این نامه که به امضای منتخبان اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره انجمن صفی روزنامه‌نگاران استان تهران رسیده آمده است: «امیدواریم با انجام این استعفا، بهانه دیگری برای دولت‌مردان برای جلوگیری از تشکیل خانه روزنامه‌نگاران تهران وجود نداشته باشد». در این مرحله استعفای دسته‌جمعی را باید اعضای مجمع تصویب کنند.

پیشنهاد

جشن یک‌روزه لاک‌پشت پرنده

جشنواره یک روزه لاک‌پشت پرنده که امروز، برگزار می‌شود، برنامه‌های ویژه و تفکیک‌شده‌ای را برای خردسالان، کودکان و نوجوانان در نظر گرفته است. اولین بخش این مراسم به خردسالانی اختصاص پیدا کرده است که چهار تا شش سال سن دارند. رؤیا میرغیاثی و ندا حیدری، قرار است برای خردسالان علاقه‌مند، کتاب «جوابی که دنبال پا می‌کشت» را به شکل قصه‌گویی اجرا کنند و پس از آن کودکان می‌توانند در کارگاه کاردستی نیز شرکت کنند. خردسالان می‌توانند از ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ حاضر شوند و با برنامه‌های این بخش استفاده کنند. کودکان سال‌های اول دبستان (هفت و هشت‌ساله‌ها) می‌توانند از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ در کارگاه بلندخوانی کتاب «ازدهای عینکی کله‌اره‌ا» با حضور حمید ابادزی، نویسنده این کتاب، شرکت کنند و با هدی شده است.